



الهام غفاری

مدیر مؤسسه مطالعاتی-تربیتی مهدی

(نرگس)

تربیت عقیفانه بازگشت به عزت انسانی

تربیت عقیفانه یعنی تربیتی که روش و منش و سبک و سلوکش عفاف داشته باشد. نتیجه و خروجی اش هم عفاف بیاورد. در واقع، در تربیت عقیفانه، شاید مشخصاً کلمه «عفاف» آموزش داده نشود، بلکه هدف آن است که تفکری منتقل شود که عفاف محصول آن باشد.

این مهم در سایه سار سه اصل بی بدیل تربیتی رخ می نماید:

۱- انسان عظمت خود را درک کند و با مقایسه خود و داشته های بیش از این دنیایش، باور کند که بزرگ تر از اینجا و اکنون است.

۲- انسان معاد را درک کند و ادامه ای برای خود قائل باشد.

۳- انسان به گستردگی و فراوانی و گوناگونی روابط خود آگاه باشد و در دنیایی که یک نگاه، یک فکر و حتی یک نیت بدون عمل بر اجزای آن مؤثر است، خود را یله و تنها نداند.

نکته مهم در این مقوله، در نظر داشتن انسان است. وجود کرمهای که نفس الهی دارد محترم است و باید شئون انسانی و کرامت ذاتی اش محترم شمرده و محافظت شود.

شاید یکی از مهم ترین ارکان حفظ و صیانت از کرامت نفس انسان محترم شمردن حق رأی برای وی و زمینه سازی برای رسیدن به انتخاب در او باشد.

یعنی انسان تربیت بشود تا بتواند آزادانه انتخاب کند. معنای آزادی در انتخاب، ولنگاری یا باری به هر جهت انتخاب کردن نیست. به آزادی رساندن انسان یعنی نفس او را از کشش ها و گرایش های درونی و بیرونی، بازی ها و بازیگری ها، جلوه ها و جلوه گری های دنیا و مردمان و وسوسه ها رها ساختن. یعنی انسان به عزت ذاتی نفس خود برگردد و تحت تأثیر دعوت ها و القاءات مثبت و منفی قرار نگیرد. یعنی بتواند رها از جبرهای درون و بیرون

ببندیشد و با اندیشه ای تمیز، ورودی های عقل را مهیا سازد تا عقل، یعنی همان پیامبر درونش، امکان سنجشی اصولی و متناسب با نقش، وظیفه، ساخت و بافت وجودی انسان در عالم هستی را داشته باشد.

چنین تربیتی شاید بتواند زمینه را برای انتخاب انسان در مسیر سیر الی... تأمین کند. یکی از انتخاب های اساسی انسان انتخاب دین به عنوان ضرورتی ابزار حرکتی او در این مسیر الهی است.

در این نگرش، دین منظومه کاملی از احکام، عقاید، سبک، سیره و روش زندگی است و حجاب یکی از این همه است. در نگرش دینی، حجاب بیش از آنکه موضوعیت داشته باشد، دارای وجه طریقتی است. یعنی حجاب ابزاری برای حرکت انسان الهی در مسیر زیستی او می شود. حال اگر انسان عظمت خودش را باور نکرده باشد و برای رفتن و ادامه حرکتش پس از این عالم طرحی نداشته باشد و به رابطه های بی نهایتش در این عالم هستی علم و باوری نداشته باشد، پدیده ای است نه تنها نیازی به دین در خود احساس نمی کند بلکه مذهب و فرامین آن را مغایر بودن و راحتی زندگی خود می داند. حتی به مخالفت با آن نیز خواهد برخاست، پدیده ای که این روزها با عنوان بدحجابی و بی حجابی با آن رو به رو هستیم، اتفاق نامبارکی که به احتمال زیاد، نتیجه نبود تربیت اصیل اسلامی است، تربیتی که قرار بوده است از درون خانواده و از دوره کودکی و با ایجاد زمینه برای رسیدن به سه اصل مهم حریت، استقامت و تفکر آغاز و با حفظ کرامت نفس او در دوره های بعدی زندگی، توسط خانه، اجتماع و نهاد حاکمیت، به انتخابی الهی بینجامد. امیدواریم با بازبینی اهداف و انگاره های اصیل اسلامی و تفکر ناب امامین انقلاب، به این مهم دست یابیم ان شاء الله...



زهرا پورعباس

مسئول مؤسسه مهربانو

(پرتو)

هزار راه نرفته ...

این ایام، هر سال فرصتی است که بررسی کنیم و نظرات مختلف را درباره حجاب ببینیم. پدیده ای است فهم هر مسئله اجتماعی اولین گام برای حل مسئله خواهد بود که تا اتفاق نیفتد، «حجاب» هم چنان مصداق سال به سال دریغ از پارسال است و ظاهر جامعه نیز گواه این مدعاست.

● تا زمانی که نگاه به مسئله حجاب یک نگاه «علیتی»، «سیستمی» و «کلان» نباشد که بر اساس آن در صدد فهم شبکه علیتی ایجاد این مسئله اجتماعی نباشیم، مسئله «حجاب» صرفاً از دریچه نگاه «تک عاملی» و «جزئی» نگریسته و همه تلاش برنامه ریزان فرهنگی به سمت درست کردن «شکل» پوشش و «رفتار» حجاب سرازیر شود، نمی توان به حل مسئله حجاب امیدوار بود.

● تا وقتی عامل تفاوت های «جنسی» و «جنسیتی» از سوی برنامه ریزان و متولیان حجاب به رسمیت شناخته نشود و صرفاً برخی در پشت درهای بسته، فارغ از نیاز به فهم فکری زنانه و

نیازهای زنان، به طراحی برنامه های فرهنگی می اندیشند، نمی توان به حل مسئله حجاب امیدوار بود. اساساً نمی توان برای پوشش زنان برنامه ریزی کرد ولی فهم دقیقی از میل به زیبایی در زنان داشت که اگر این فهم زنانه می بود، شاید در محیط های صرفاً زنانه همچون مدارس، معماری مدارس و کادر آموزشی به سمتی حرکت می کرد که نیازی به حجاب نباشد.

● مهم تر از همه یقین بدانیم حجاب نه اصول دین است نه فروع آن، بلکه واجبی شرعی و ضرورتی دینی است که تا اصول دین درست فهم نشود و جهان بینی توحیدی افراد جامعه بر اساس دین شکل نگیرد، نمی توان به انجام رفتار شرعی (حجاب) امیدوار بود.

● بر این اساس، باید پرسید خانواده و نظام های آموزشی، پرورشی، تربیتی و فرهنگی ما تا چه اندازه کودکان و نوجوانان را پرورشگر و متفکر تربیت می کنند تا بتوانند در سن تکلیف، فهمی درست و توحیدی از دین به دست آورند؟



شهربانو

۲۱ تیر ۱۴۰۱
۱۲ دی الحجه ۱۴۴۴ شماره ۳۷۱۰

(۲)



عکس: داود بهنگام



ناهید مشایی

اسلام پژوه و استادیار دانشگاه فردوسی

(آفاق)

روش تقلیدی راه مناسبی برای آموزش نیست

پوشش یک مقوله است که به امروز و دیروز ربطی ندارد. شما در اسناد تاریخی از دوران مادها هم می توانید رد پای پوشش را به خوبی ببینید اما متأسفانه با اینکه تصور می کنیم در این مسئله خوب کار کرده ایم، اصلاً کاری انجام نشده است زیرا مفاهیم عمیق این مقوله را نادید گرفتیم. مسئله حجاب خیلی عمیق تر از یک پوشش ساده است که حتی آن را زنانه و مردانه بدانیم و صرفاً از زنان بخواهیم خود را بپوشانند. زنان ایران از زمان مادها که نخستین ساکنان آریایی ایران بودند حجاب کاملی شامل پیراهن بلند چین دار و شلوار تا میچ پا و شنلی بلند روی لباس ها داشتند. این حجاب در دوران سلسله های مختلف پارس ها نیز معمول بوده است. در زمان زرتشت و قبل و بعد از آن، زنان ایرانی از حجابی کامل برخوردار بوده اند. هم چنین ویل دورانت در کتاب «تاریخ تمدن، مشرق زمین، گاهواره تمدن» (ج. یکم، ص. ۴۳۴) به مسئله محجبه بودن زنان در شرق عالم، به ویژه ایران، اشاره می کند. ما نیز با کمی تأمل، هنوز می توانیم این مسئله را حتی در پوشش مردم سنتی ژاپن و چین ببینیم. ما باید به گسترش مطالعات در زمینه فلسفه حجاب از نظر فرهنگی برای والدین به ویژه مادران اقدام کنیم. یکی از مهم ترین ایرادهایی که در خانواده مذهبی می بینم این است که بسیاری از مادرها نمی توانند فلسفه حجاب را به دختران و پسرانشان بیاموزند زیرا خود نیز به صورت تقلیدی از والدین خود فرا گرفته اند. وقتی فرد به صورت تقلیدی چیزی را می آموزد، با شک و تردید رشد می کند. همین باعث می شود خیلی زود در هجوم جریانات مخالف، آن را از سر برمی دارد. اگر مادران بتوانند هم زمان با بلوغ شرعی، دلیل پوشش و فلسفه حجاب را برای دختران خویش تبیین کنند، تا حد بسیاری می توان به مقاومت دختران در هجوم افکار ناصحیح امیدوار بود. گرچه مدارس و فضاهای آموزشی نیز پس از خانواده، نقش مهمی ایفا می کنند.

یک راه تغییر سبک آموزش دینی است. آموزش دینی باید همراه با بیان ادله و استدلال باشد. باید از همان کودکی به دختران و پسران، تفکر را بیاموزیم. ترس از جهنم و وعده بهشت راهکار کافی برای تربیت دینی نیست. آموزش اقناعی بسیار مهم است. باید ضعف فرهنگی را از بین ببریم. در مرحله بعد، از بین رفتن موانع ازدواج، خود، یکی از مهم ترین راهکارهاست. اکنون به دلیل تمایل نداشتن جوانان به ازدواج، فساد در جامعه حاکم شده است. این در حالی است که به صورت متقابل، ازدیاد فساد در جامعه نیز رکود ازدواج را چند برابر می کند و طلاق و ازهم پاشیدگی خانواده، همگی، در همین راستاست. در مرحله آخر، تبیین دقیق دلایل و فواید حجاب و پوشش، بیان پیامدهای بی بندوباری، تشویق و ترغیب حجاب از سوی نهادهای متولی و در نتیجه کمک به دریافت هزینه ای برای تهیه پوشش کامل در سید خانوار نیز می تواند کارآمد باشد.